



خطابه و خطیبان جمعه



سید رضا نقوی

اشاره:

سیاق خطبه خوانی در جاهلیت چنین بود که خطیب چوبی را به عنوان عصا و یا اسلحه‌ای مانند نیزه و شمشیر در دست می‌گرفت و با این هیئت خطبه را ایراد می‌کرد.

این سنت که با اصول و مبانی دینی تضادی نداشت، نه تنها مورد منع و رد شارع مقدس قرار نگرفت، بلکه به عنوان روشی پسندیده و عملی مستحب مورد تأکید واقع شد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا كَانُوا سَبْعَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَلْيَصَلُّوا فِي جَمَاعَةٍ وَ لِيَلْبَسُوا الْبُرْدَةَ وَالْعِمَامَةَ وَ يَتَوَكَّأَ عَلَى قَوْسٍ أَوْ

در قسمتهای قبلی این مقاله، به بررسی تاریخ پیدایش خطابه و تحول خطابه در اسلام پرداختیم و آن‌گاه آداب خطیب را مطرح کرده و شش مورد از آن را توضیح دادیم. اینک ادامه بحث را پی می‌گیریم.

۷. تکیه بر اسلحه

از دیگر آداب خطبه خوانی این است که خطیب به هنگام خواندن خطبه، عصا و یا اسلحه به دست بگیرد و با تکیه بر عصا و اسلحه خطبه بخواند. این سنت به دوران پیش از ظهور اسلام بر می‌گردد؛ زیرا سبک و

مردم و نظام اسلامی در مراسم عبادی - سیاسی نماز جمعه به یکدیگر می‌رسند و در این پیوند، با کمک یکدیگر بسیاری از مشکلات را حل می‌کنند.

با توجه به اینکه مردم و یکی از مظاهر حاکمیت اسلامی، در نماز جمعه با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند، باید این نکته روشن شود که سبک و سیاق حاکمیت در برخورد با مردم چگونه است؟ زیرا نوع برخورد امام جمعه، به عنوان نماینده حاکمیت اسلامی با مردم، تا حدود زیادی می‌تواند ما را به عمق تفکر اسلامی آشنا سازد و لذا در اینجا به چند نمونه از وظایف امام جمعه اشاره می‌کنیم تا با نوع برخورد خطیب جمعه با مردم آشنایی بیشتر پیدا شود:

۱. سلام به مردم

خطیب جمعه در نخستین دیدارش با مردم، از فراز منبر خطابه، با واژه آهنگین، گوش نواز و روح افزای

عَصَا^۱ آن زمانی که در روز جمعه تعداد نمازگزاران به هفت نفر رسید، باید نماز [جمعه را که از شرایط آن جماعت است] به جماعت اقامه کنند و لازم است [امام جمعه] لباسی از جنس «بُرد» بپوشد و عمامه بر سر بگذارد و به کمان و یا عصا تکیه کند!

خطیب جمعه و مردم

مردم در بینش اسلامی عائله خداوند هستند و خدمت به آنها خدمت به اهل و عیال خدا محسوب می‌شود؛ همان طور که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ»^۲ مردم عیال خداوند هستند. پس محبوب‌ترین مردم نزد پروردگار کسانی می‌باشند که به خانواده و عیال خداوند منفعت برسانند.

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از مدیران نظام حکومتی خود می‌نویسد:

«وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ»^۳ در برابر

مردم خاضع و فروتن باش!

یکی از حلقات اتصال مردم با نظام اسلامی، نماز جمعه است؛ یعنی

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۶.

مردم رو به رو می‌شد، سپس به آنها
«السلام علیکم» می‌گفت.
۲. رعایت حال مردم

از دیگر آداب خطابه این است که
خطیب جمعه، خطابه‌اش را با توجه به
رعایت حال نمازگزاران ایراد بکند. او
باید در مرحله نخست مخاطب‌شناسی
کند و از این طریق، به ظرفیت فکری و
علمی مخاطبانش آگاهی نسبی داشته
باشد تا متناسب با توانایی عقل و علم
آنان سخن بگوید؛ چنان‌که پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ
عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛^۲ ما گروه پیامبران
مأموریت یافته‌ایم تا [در هدایت‌های
خود] متناسب با سطح عقل و اندیشه
مردم سخن بگوییم.»

خطیب نباید در گفتار خود از
مطالب سخت و سنگین علمی استفاده
کند؛ به گونه‌ای که از آن همه سخن
علمی، مخاطب نتواند بهره‌مند شود. او

یکی از حلقات اتصال مردم
با نظام اسلامی، نماز جمعه
است؛ یعنی مردم و نظام
اسلامی در مراسم عبادی -
سیاسی نماز جمعه به
یکدیگر می‌رسند و در این
پیوند، با کمک یکدیگر
بسیاری از مشکلات را حل
می‌کنند.

سلام به استقبال مردم می‌رود و با این
نوع رفتار، پیام دوستی و محبت خود
را به نمازگزاران ابلاغ می‌کند و با این
شیوه روان‌شناسانه، زمینه‌های ذهنی را
برای شنیدن خطبه‌ها آماده می‌سازد؛
چنان‌که سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله این
چنین بوده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ يَوْمَ
الْجُمُعَةِ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِوَجْهِهِ فَقَالَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ؛^۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که روز
جمعه بر فراز منبر قرار می‌گرفت، با

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۲۲، به نقل از: صلاة
الجمعة، معطياتها، احكامها، انتشارات مجمع
جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ص ۱۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۹.

باید محتوای خطابه‌اش را که به منزله غذا برای روح شنونده است، متناسب با مزاج او تقدیم بدارد.

همچنین خطیب جمعه باید از لحاظ «زمان» خطابه‌اش را به گونه‌ای تنظیم کند که مخاطبش را خسته نکند؛ زیرا طولانی شدن خطبه‌ها خستگی و افسردگی را به دنبال خواهد داشت و خستگی موجب می‌شود تا نشاط از شنونده سلب گردد و عبادت اگر با نشاط همراه نباشد، نه تنها نمازگزار از معنویت آن لذت نمی‌برد و در چنین شرائطی نمی‌تواند جان و روان خود را تحت تأثیر قرار بدهد، بلکه آثار منفی و زیانباری را بر روح و روانش باقی می‌گذارد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْعِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ؛^۱ همانا این دین [اسلام احکامش] متین و استوار است. پس با مدارا در آن وارد شوید و با اکراه، بندگان خدا را به عبادت خداوند نکشانید!»

سیره و سنت پیامبر اکرم ﷺ این بود که خطبه‌ها را کوتاه و روان ایراد می‌کرد و در زندگی آن حضرت

این گونه ثبت شده است که:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُطِيلُ الْمَوْعِظَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذْمَا هُنَّ كَلِمَاتٌ يَسِيرَاتٌ؛^۲

پیامبر اکرم ﷺ روز جمعه، موعظه را طولانی نمی‌کرد. خطابه آن حضرت، کلماتی کوتاه و روان بود. نه تنها رسول خدا ﷺ خطبه‌ها را کوتاه ایراد می‌فرمود، بلکه به مناسبت‌های مختلف به دیگران هم توصیه می‌کرد که با خطبه‌های طولانی مردم را خسته نکنند.

«عَنْ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَقْصَارِ الْخُطْبِ؛^۳ از عمار یاسر نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ ما را به کوتاه کردن خطبه‌ها فرمان داد.»

آن حضرت هر گاه فرماندهی را در لشکری نصب می‌کرد، یکی از سفارشاتش این بود که در نماز جمعه خطبه‌ها را کوتاه بخواند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا قَالَ أَقْصِرِ الْخُطْبَةَ وَأَقِلَّ الْكَلَامَ؛^۴ زمانی که

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۰۷.

۳. همان، ح ۱۱۰۶.

۴. کنز العمال، ج ۷، ص ۹۴، ح ۱۸۱۲۶.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، تربیت شده مکاتب نبوت و قرآن، در واپسین لحظه‌های زندگی خویش، پیروانش را به نظم در امور توصیه می‌کند و می‌فرماید:

«أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ؛^۲ شما دو فرزندم [حسن و حسین علیهما السلام] و تمام فرزندان و خاندانم و همچنین همه کسانی را که این وصیت نامه من به آنان می‌رسد، به رعایت تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم.»

مقوله نظم در نماز جمعه از چنان حساسیتی برخوردار است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان خطیب جمعه، خود شخصاً متولی تنظیم صفوف نمازگزاران می‌شد تا به آنان اهمیت نظم را متذکر شده باشد؛ چنان‌که اصحاب آن حضرت گفته‌اند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُسَوِّي صُفُوفَنَا كَأَنَّمَا يُسَوِّي بِهَا الْقِدَاحَ؛^۳ همان طور که

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمانده و امیری را حکم می‌داد، می‌فرمود: خطبه را کوتاه کن و سخن را کمتر بگو!»

امامان جمعه و جماعت باید نماز را متناسب با شرائط جسمی و روحی «اضعف مأمومین» به جای آورند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «زمانی که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله مأموریت پیدا کردم تا به سرزمین یمن بروم، در آستانه حرکت به سمت یمن، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدم:

«كَيْفَ أَصَلِّي بِهِمْ فَقَالَ صَلَّى بِهِمْ كَصَلَاةِ أَوْعَفِيهِمْ وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَجِيمًا؛^۱ چگونه با آنها نماز بگذارم؟ فرمود: نماز را با توجه به حال ضعیف‌ترین نمازگزاران اقامه کن و نسبت به مؤمنان مهربان باش!»

۳. نظم و انتظام مردم

از رسالتهای خطیب نماز جمعه این است که مردم را به نظم و انضباط تشویق و ترغیب کند؛ زیرا یکی از عوامل موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی انسانها نظم است.

در فرهنگ اسلامی نظم و انتظام از چنان موقعیتی برخوردار است که

۱. نهج البلاغة (فیض)، نامه ۵۳.

۲. نهج البلاغة، نامه ۴۷.

۳. جامع الاصول، ج ۶، ص ۳۹۳، به نقل از: سیره نبوی، دفتر اول، ص ۴۳۵.

خطیب جمعه باید از لحاظ «زمان» خطابه‌اش را به گونه‌ای تنظیم کند که مخاطبش را خسته نکند

در اینجا ما به دو نمونه از آن وظایف اشاره می‌کنیم:

الف. خطیب، قبله مردم

آن‌گاه که امام جمعه در جایگاه خطابه قرار می‌گیرد تا برای مردم خطبه بخواند، مخاطبان و نمازگزاران باید رو به روی خطیب بنشینند؛ حتی اگر جایگاه خطابه در جهت قبله نباشد، بر حاضران است تا چهره در چهره امام جمعه قرار بگیرند.

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «كُلُّ وَاعِظٍ قِبْلَةَ يَغْنِي إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَنْبَغِي لِلنَّاسِ أَنْ

چوب پیکان را می‌تراشند و صاف می‌کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز صفهای نماز ما را صاف و مرتب می‌کرد.»

اهمیت موضوع را باید از این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله فهمید که می‌فرمود:

«أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ خَلْفِي كَمَا أَرَاكُمْ مِنْ قُدَامِي وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَلَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛^۱ صفهای

نمازتان را [منظم] به پا دارید و بدانید که من شما را همان طور که از جلوی رو می‌بینم، از پشت سر هم می‌بینم.

نامنظم نباشید که [رفتار نامطلوب در دلهای شما نیز اثر می‌گذارد و] خداوند دل‌هایتان را متشتت می‌سازد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعبیر دیگری،

نسبت به نظم صفوف می‌فرماید: «سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَحَادِّوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْوِذُ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ؛^۲ صفهای نمازتان را

مرتب کنید و به گونه‌ای شانه به شانه یکدیگر قرار بگیرید که شیطان بر شما چیره نشود.»

تا اینجا به چند نمونه از مسئولیتهای خطیب در برابر مردم اشاره کردیم. مردم نیز در مقابل خطیب وظایفی دارند که باید به آن عمل کنند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۲، ح ۱۱۰۷۷.

۲. همان، ح ۱۱۰۷۶.

أَذُنُّكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ؛^۲ گوشت را به نیک شنیدن، عادت بده!»

«حسن استماع، نه فقط برای مستمع نافع است و او را از علم بهره‌مند می‌سازد، بلکه برای گوینده دانا نیز مفید است؛ زیرا شنونده فهمیم که دارای حسن استماع باشد، فکر مرد دانا را به تحرک و فعالیت وامی‌دارد و در وی زمینه‌ای به وجود می‌آورد که ذخایر درونی خود را هر چه بیشتر برون افکند، معلومات خویش را هر چه زیاده‌تر به زبان آورد و بهره‌فزون‌تری نصیب مستمع لایق خود نماید.»^۳

این سخن شیر است در پستان جان

بی‌کشنده خوش نمی‌گردد روان
مستمع چون تشنه و جوینده شد

واعظ از مرده بود گوینده شد^۴
در فرهنگ و اخلاق اسلامی،
واعظ و ناصح بر مخاطب و نصیحت

يَسْتَقْبِلُوهُ؛^۱ هر واعظ و خطیبی [بر شنونده] قبله است؛ یعنی زمانی که در روز جمعه، امام برای مردم خطبه می‌خواند، سزاوار است که مردم رو به روی امام قرار بگیرند.»

ب. سکوت مردم

از دیگر آداب نماز جمعه، برای شرکت‌کنندگان در نماز این است که به هنگام ایراد خطبه سکوت را کاملاً رعایت کنند. ادب هم همین را اقتضا می‌کند که وقتی شخصی در حال سخن گفتن است، حاضران به سخنان او گوش بدهند و از هر گونه حرکت که موجب می‌شود تمرکز او خدشه دار شود، پرهیز کنند.

«حسن استماع» از سجایای اخلاقی و حاکی از ادب شنونده در مقابل گوینده است و برای نیل به این فضیلت انسانی و مزیت اجتماعی، مجاهده و کوشش لازم است. کسی که می‌خواهد واجد حسن استماع باشد، باید با تداوم مراقبت آن را ملکه خود سازد و به صورت یک عادت ثابت در ضمیر خود مستقر و پای‌بر جا کند.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «عَوِّذُ

۱. همان، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷.

۲. غرر الحکم، ح ۴۲۱۱.

۳. سخن و سخنوری، محمد تقی فلسفی، ص ۲۱۲.

۴. مثنوی معنوی، مولوی.

امامان جمعه و جماعت باید نماز را متناسب با شرائط جسمی و روحی «اضعف مأمومین» به جای آورند

شونده حق دارد و او باید با حسن استماع، حق گوینده را ادا کند؛ چنانکه حضرت سجاد علیه السلام در فرازی از رساله حقوقیه، به این حق اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنَّ تَلِينَ لَهُ جَنَاحَكَ
ثُمَّ تَشْرِيْبُ لَهُ قَلْبَكَ وَتَفْتَحُ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى
تَقْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ»^۱ و اما حق نصیحت
کننده این است که نسبت به او تواضع
داشته باشی و سپس دل خود را به او
بسپاری تا از نصیحت او سیرابش
گردانی و گوش خود را برای او باز کنی
تا اندرز او را بفهمی.»

اینکه در نماز جمعه تأکید شده است تا هنگامی که خطیب جمعه به ایراد خطبه مشغول است، نمازگزاران و مخاطبان سکوت را کاملاً رعایت کنند و سرا پا گوش باشند، دلایل

متعددی دارد: اولاً چنانکه در برخی از روایات آمده است، خطبه‌های نماز جمعه به جای دو رکعت نماز محسوب می‌شود. بنابراین، مخاطب هنگام گوش دادن به خطبه، در حال نماز است و در چنین حالتی، سخن گفتن درست نیست؛ ثانیاً مخاطب با سکوت خود به خطیب پیام می‌دهد که من آمادگی خود را جهت استماع سخنان شما اعلام می‌دارم.

حضرت صادق علیه السلام از پدران خود نقل فرمود که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ لَغَا وَمَنْ لَغَا فَلَا جُمُعَةَ لَهُ»^۲
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سخن گفتن در روز جمعه، هنگامی که امام جمعه در حال ایراد خطبه می‌باشد، نهی فرمودند. بنابراین، هر کس که [در زمان خواندن خطبه،] سخن بگوید، بدون تردید کار لغوی کرده است و هر کس کار بیهوده و لغو انجام بدهد، از برکت و فیض جمعه محروم است.»

۱. تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، ص ۲۶۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۱.